

نگاه



سرکوب مزد؛ ادامه یا توقف

زهره‌قلیچی

قصه افزایش حقوق کارگران، داستان تکراری هر سال است که به قول دکتر حسین راغفر که چندی پیش با «شرق» به گفت‌وگو نشسته بود، ۲۵ سال است ادامه دارد. هر سال همین موعد شورایی به نام شورای عالی کار در جلساتی بر سر این موضوع بحث می‌کند که برای سال آینده پایه حقوق کارگران چه میزان افزایش پیدا کند. حالا هم ظاهراً همان موعد فرارسیده و قرار است جلسات شورای عالی کار برای تعیین دستمزد آغاز شود. مطابق آنچه پارسال در شورای عالی کار رخ داد، افزایش حقوق ۳۰ درصد اعلام شد که بسیاری از اعضای کارگری آن را به عدالت نزدیک نمی‌دانستند. حالا باید منتظر بنامین و ببینیم سال آینده قرار است چه گلی به سر عروس جامعه کارگری زده شود که دامادش هنوز مشخص نشده است. احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، چند روز پیش از آغاز تلاش‌ها برای تعیین مزد ۱۴۰۴ خبر داد. او درباره این موضوع گفت: تلاش می‌کنیم چانه‌زنی برای تعیین حداقل دستمزد ۱۴۰۴ جامعه کارگری زودتر از سال‌های گذشته آغاز شود. شورای عالی کار، شورای سه‌جانبه‌ای است شامل نمایندگان کارگران، نمایندگان کارفرمایان و دولت که درباره مسائل کارگری نظر می‌دهد. این شورا دارای یک دبیرخانه دائمی است که در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قرار دارد. کارشناسان این دبیرخانه، مطالعات مربوط به روابط و شرایط کار و سایر مسائل مهم حوزه کار را تهیه و به شورا ارائه می‌کنند. اداره دبیرخانه شورا بر عهده دبیر شورای عالی کار است که با پیشنهاد وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و تصویب شورا انتخاب می‌شود و بدون داشتن حق رای در جلسات شرکت می‌کند.

آن‌طور که احمد میدری گفته است و روال شورای عالی کار در سنوات گذشته نیز بوده، اعضای شورای عالی کار دور یک میز می‌نشستند و با چانه‌زنی حقوق سال آینده کارگران را تعیین می‌کردند؛ موضوعی که برخلاف تصریح قانون کار است. چون در ماده ۴۱ این قانون آمده است: شورای عالی کار همه‌ساله موظف است میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای ذیل تعیین نماید:

- حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود.
- حداقل مزد بدون آنکه مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی‌های کار محول‌شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده را که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود، تأمین کند.

تبصره- کارفرمایان موظف‌اند که در ازای انجام کار در ساعات تعیین‌شده قانونی به هیچ کارگری کمتر از حداقل مزد تعیین‌شده جدید پرداخت نمایند و در صورت تخلف ضامن تادیبه مابه‌التفاوت مزد پرداخت‌شده و حداقل مزد جدید است.

برای کارکنان دولت هم بر اساس بند «پ» ماده بیست‌وهشت «قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» که عنوان می‌کند: دولت در حدود اعتبارات هزینه‌ای سالانه و متناسب با نرخ تورم نسبت به تعیین ضریب حقوق کارکنان دولت اعم از مشمولان و غیرمشمولان قانون مدیریت خدمات کشوری در لوابح بودجه سنواتی اقدام کند. این حکم در طول برنامه حاکم بر ماده ۱۲۵ قانون مدیریت خدمات کشوری خواهد بود.

حسین راغفر، اقتصاددان و استاد دانشگاه، چندی پیش در یک گفت‌وگوی تلفنی در پاسخ به این سؤال که چرا برخی تلاش دارند افزایش حقوق کارگران را تورمزا نشان دهند، گفت: این بحث که اگر ما سالانه حقوق کارگران را افزایش دهیم تورم ایجاد می‌کند، موضوع اصلی نیست؛ چون سهم حقوق و دستمزد از تولید ناخالص داخلی کشور، با همین اعداد و ارقام که درباره آن شبیه دارم، کمتر از ۱۵ درصد است. یعنی حدود ۸۵ درصد عوامل مؤثر دیگر وجود دارد. نمی‌شود که در این موضوع به آن عوامل مؤثر که ۸۵ درصد اثر دارد هیچ توجهی نکرد و فقط روی موضوعی تمرکز شود که سهم کمتر از ۱۵ درصد دارد. من معتقدم این شیوه به دلیل نگاهی است که بر جریان سیاست‌گذاری اجرائی کشور وجود دارد. مسئله این است که دولت‌ها (فرقی هم نمی‌کند کدام دولت) تا می‌توانند در مباحث اقتصادی روی جیب مردم حساب می‌کنند. هر سال هم افزایش حقوق کارگران کمتر از نرخ تورم پیش‌بینی‌شده سال آینده تعیین می‌شود. این عمل یعنی اینکه دستمزد هر سال ضعیف می‌شود. این موضوع در ۲۵ سال گذشته همیشه رواج داشته است. هر سال در زمان تعیین دستمزد‌ها این بحث تکرار می‌شود. در برنامه چهارم تکلیف شده است‌که باید دستمزد‌ها به نسبت افزایش نرخ تورم تغییر کند. اما هیچ‌وقت این اتفاق نیفتاده و عملاً این را کنار گذاشته‌اند و همیشه رشد دستمزد‌ها کمتر از نرخ تورم بوده است. تازه خود تورم موضوع خاصی است؛ یعنی آنچه به عنوان عدد تورم محاسبه می‌شود، افزایش قیمت سیدی از کالااست که ۳۰۰ یا ۴۰۰ کالا را شامل می‌شود. درصورتی‌که باید تورم طبقات را در این زمینه محاسبه کنند؛ چون سید کالایی که طبقات پایین جامعه مصرف می‌کنند، معمولاً تورم بالاتری از میانگین طبقات بالاتر دارد. بنابراین برای بررسی سطح زندگی کارگران باید سبب یک خانوار کارگری را محاسبه کنید و ببینید در آن چه اقلامی وجود دارد و سهم هرکدام از آنها ز درآمد چه مقدار خواهد بود. در این صورت اگر نرخ سسی‌بی‌ای (CPI) این سید را محاسبه کنید، قطعاً بالاتر از نرخ متوسط جامعه است.

بحث کف حقوق جامعه کارگری هم همین است. این روزها بسیاری نگرانند که قرار است چه تصمیمی برای آینده حقوق کارگران گرفته شود. جامعه کارگری معتقد است سال آینده به دلیل وضعی که وجود دارد قیمت‌ها پیش از گذشته افزایش خواهد یافت. آنها به قیمت دلار اشاره دارند و تأکیدشان این است که اگر سایر قیمت‌ها مانند قیمت سوخت افزایش یابد، هیچ بعید نیست که حقوق از هزینه‌ها بسیار بیشتر از گذشته عقب بماند. به‌هرحال جامعه کارگری این روزها نگران است و گاهی به رخدادهای گذشته اشاره دارد. آنها معتقدند مطابق روالی که در این سال‌ها طی شده، ظاهرآ فرقی ندارد تورم چقدر باشد و پیش‌بینی تورم سال آینده چه باشد. هرچه باشد گروهی دوره‌هم جمع می‌شوند مانند سال گذشته و در نهایت یک نفر ریش گرو می‌گذارد تا طرفین به میزان افزایش حقوق رضایت بدهند.

صدای سازدهنی در فضا پیچیده و انکار وزن سنگین خودش را روی شانه‌های آدم‌های داخل شرکت انداخته است. یکی دارد روی موسیقی با صدایی محزون می‌خواند و دیگران هرکدام چنان در فکر کشتی‌های غرق‌شده‌شان هستند که گویی از اوضاع و احوال جهان فارغ شده‌اند. نمی‌دانم همه‌جا این‌طور است یا نه، اما هروقت بحث حقوق می‌شود، اینجا این‌طور است. آدم‌ها انکار که غم عالم روی سینه‌شان افتاده باشد، دچار نفس تنگی می‌شوند.

شاید این طبیعی باشد، شاید هم نه! اما هرچه هست حال آدم‌ها وقتی صحبت از این موضوع است، خوب نیست که نیست. حرف از حقوق که بشود، آدم‌ها یاد قیمت گوشت می‌افتند و یاد قیمت برنج! بعد سیاه‌های از هزینه‌ها را روی میز می‌گذارند و در فکر این می‌افتند که چطور و از کجا عقب‌ماندگی حقوق‌شان را از هزینه‌هایی که انکار افسار پاره کرده جبران کنند. «ساحل» زنی که تازه از ازدواجش یک سال گذشته، مثل بقیه حال خوبی ندارد. نه اینکه طوری‌اش باشد، نه! نگران است، از نگرانی حالش بد است. ماشین حساب را گذاشته روبه‌رویش و تندتند دارد روی کلیدهایش عددهایی را وارد و جمع و تفریق می‌کند. بعد آدمی می‌کشد و کاسه چه کنم دستش می‌گیرد و بلند صدا می‌زند: ای خدا تا کی؟

بچه‌های شرکت که انکار برق گرفته باشندشان با تعجب منتظر توضیح او می‌مانند و او ادامه می‌دهد: کی قرار است این وضع درست شود؟ این‌همه کار کرده‌ام و هیچی ندارم و هر سال هم دارد وضع بدتر می‌شود. بعد در پاسخ به دهان‌های بازمانده همکاران که منتظر حرف جدی‌تری هستند نه این حرف‌های تکراری ادامه می‌دهد: باور کنید من حتی در دوران دانشگاه هم کار کرده‌ام، حتی کارم طوری بود که مسئول بخش که یک آقای مهندس بود برایم انتخاب واحد می‌کرد.

ساحل که انکار تازه سر درددلش باز شده باشد، شروع کرد از «ب» بسم‌الله تا ممیم «الرحیم» کار کرد در دوران دانشجویی را تعریفکردن. اینکه برای پرداخت شهریه‌اش چه مکافاتی کشیده و دختر جوانی بوده که مثل بقیه زندگی نکرده است: آن زمان درست وقتی همه می‌رفتند تفریح و دوردور، من هم دوست داشتم با آنها بروم اما امکانش نبود. مجبور بودم در سرما و گرما و تابستان و زمستان سر کار بروم، اما این امید را داشتم که وقتی آن روزها تمام شد و سر خانه و زندگی خودم آمدم، دوره راحتی است و هرچا که دلم خواست می‌روم و هر چیزی که خواستم می‌خرم؛ غافل از اینکه تازه اول ماجراست و هرقدر می‌دوم به جایی نمی‌رسم. هر سال هم وضع بدتر و فاصله حقوق من و شوهرم از هزینه‌هایم بیشتر و بیشتر می‌شود. خدا سال آینده را با این وضع به خیر بگذراند…»

میدان وسیع مردم

فاصله درآمدت از هزینه‌ها روزبه‌روز دارد زیاد می‌شود. دستگاه‌های ذی‌ربط هم هرکدام دارند اعداد و ارقامی را مطرح

مشکلات معیشتی ایرانی‌ها در حال افزایش است

شکاف بزرگ هزینه و درآمد



حمیدرضا عظیمی

می‌کنند که معلوم نیست چه سختی‌با واقعبت دارد، یکی از اهالی رسانه به خبرنگار «شرق» می‌گوید: حداقل حقوق در سال ۱۳۸۸ حدود ۲۱۰ هزار تومان بود، یعنی دریافتی این حدود بود. اما من آن زمان در یک نشریه فعال در صنعت ساختمان کار می‌کردم که حدود ۳۰۰ هزار تومان به من حقوق می‌داد. آن روزها قیمت دلار حدود هزار تومان بود و من کمی بیشتر از ۳۰۰ دلار در ماه حقوق داشتم. با این حقوق پس‌انداز می‌کردم و هر سال یک مسافرت خارجی می‌رفتم. من آن زمان در خانه‌ای در خیابان رودسر زندگی می‌کردم که حدود ۲۰ میلیون تومان ودیعه داشت و با قیمت آن روز پراید، می‌توانستم سه تا پراید بخرم. اما نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد که یکهو شب خوابیدیم و صبح بیدار شدیم و دلار شد سه هزار تومان و پراید هم شد ۲۰ میلیون تومان. یعنی آن پولی که ودیعه خانه‌ام بود یکهو سه برابر قدرت خریدش را از دست داد.

او می‌گفت: با حقوق من در سال ۱۳۸۸ حدود یک سکه تمام (قیمت سکه حدود ۲۷۰ یا ۱۸۰ بود) با چند گرم طلا می‌شد خرید. اما حالا با این حقوق من یک‌سوم سکه هم نمی‌توانم بخرم. اینجا یعنی اینکه دائم قدرت خرید من کم و کمتر می‌شود و معلوم نیست این روند قرار ا…بت تا کجا ادامه پیدا کند.

محمود مردی میانسال است. چهره‌ای خسته دارد و در یک کارگاه تولید در و پنجره کار می‌کند. وقتی داخل مترو صحبت از هزینه‌های زندگی می‌شود، چشمانش از نگرانی وق می‌زند. با صدایی آرام طوری که کسی هم نفهدد دشنامی خنده‌دار به دنیا می‌دهد و می‌گوید: «ما هر روز صبح به امید یک روز بهتر سر کار می‌آیم، اما هر روز بیستتر از دیروز حس می‌کنیم که تا کمر در باتلاقی از مشکلات غرق شده‌ایم و هر روز بیشتر در این باتلاق فرو می‌رویم». او با دستش جیب‌هایش را نشان می‌دهد: «ببینید! جیب که خالی باشد هیچ چیز جای خودش قرار ندارد. همه چیز به هم می‌ریزد، چون تو نمی‌توانی حتی نان خالی و آب بخوری. چون اینجا هم هزینه دارد. این هم همه از صدر تا ذیل کشور می‌دانند که حقوق ما حتی کفاف هزینه‌های اولیه زندگی را هم نمی‌دهد. من و خانواده‌ام مجبوریم برای تأمین نیازهای روزمره‌مان هر روز بیشتر از قبل تلاش کنیم».

در جمع مترو خانمی هم به نام «سارا» متوجه حرف‌های ما می‌شود. او هم در یکی از شرکت‌ها که از قضا نامش را هم می‌گویید، کار می‌کند و حالا دارد به خانه می‌رود. طبیعی است این موقع بیشتر جمعیت متروسوار، کارگران بخش اداری هستند (با همان کارمندان بخش خصوصی تحت پوشش تأمین

اجتماعی) که پایان ساعت کاری‌شان است و دارند به سوی خانه می‌روند. این ساعت همیشه این‌طور است. آدم‌ها خسته‌اند و زیاد به کار هم کاری ندارند و اصلاً حالش هم نیست در جایی که دارید مثل گوشت چرخ‌کرده له می‌شوید، شروع به صحبت و اختلاط با دیگران کنید، اما صحبت از هزینه‌ها و گرانی همه را همراه می‌کند. او می‌گوید: اصلاً نمی‌شود بازار رفت. هروقت به بازار می‌رویم با افزایش قیمت‌ها مواجه می‌شویم. اما خوبی‌اش این است که حقوق ما همان حقوق قبلی است». این را که می‌گوید لبخندش تلخ می‌شود؛ هر بار که به سوپرمارکت می‌روم، احساس می‌کنم قیمت‌ها مثل یک دیوار بلند در برابر من قد مقل کرده‌اند. از عصیانبت صدايش به لرزه افتاده و گویی که بار سنگین این فشارها دارد به ضعف اعصاب او می‌انجامد.

علی، یکی دیگر از مسافران مترو وارد بحث می‌شود: من همیشه فکر می‌کردم که با کارکردن در یک شرکت بزرگ، زندگی‌ام تغییر می‌کند، اما حالا متوجه شدم که اینجا هم مثل جاهای دیگر است. ما با این حقوقی که می‌گیریم حالا دیگر باید برای یک لقمه نان بچنگیم.

در این جمع، هرکدام داستانی دارند. داستانی که گاه حتی گفتنش هم نمی‌تواند واقعبت تلخ زندگی کارگران را به‌وضوح توضیح دهد. اینها که سختی رفت‌وآمد با مترو را هر روز صبح و عصر به جان می‌خرند، به گفته خودشان در جست‌وجوی درآمدی هستند که بشود با آن زندگی آبرومند و شرافتمندانه را تأمین کنند و به قول یکی از آنها «شرمند به‌جها نباشند»! این حرف مثل پتک توی سر بقیه شنوندگان فرد می‌آید و حسی از رازنایتی در چهره همه‌شان موج می‌زد. گویی همه‌شان توی یک کشتی در حال غرق‌شدن گیر افتاده باشند و هیچ‌کس هم نداند که کی و کجا قرار است در ساحل نجات پهلو بگیرند.

این حرف‌ها یکهو کلیبی را که شب قبل دیده بودم توی ذهن دوباره به نمایش می‌گذارد. آقای دکتر در آن کلیپ داشت درباره لزوم افزایش قیمت و واقعی شدن قیمت سوخت حرف می‌زد. می‌گفت چون قیمت سوخت در کشور پایین است، مردم دارند زیاده مصرف می‌کنند و باید این قیمت افزایش پیدا کند. بعد داشت درباره کانادا و سفر در کانادا حرف می‌زد که نیاز دارد یک ماه قبل از سفر رفتن، برنامه‌ریزی شود. چرا؟ چون هزینه‌ها اعم از سوخت و… بالاست، و نمی‌شود مثل ایران بی‌گدار به آب زد. دکتر می‌گفت: در دنیا مثل ایران نیست که. اینجا چون بنزین ارزان است، شب با هم هماهنگ می‌کنیم و صبح به جاده می‌زنیم. گوی آقای دکتر یادش رفته که مردم این کشور هم برنج را دارند به قیمت جهانی مصرف می‌کنند و هم گوشت مرغ و گوشت گاو، را فقط بنزین را با قیمت جهانی مصرف نمی‌کنند که آن هم اگر خودرو‌ها به‌جای اینکه هر صد کیلوومتر، ۱۵ لیتر بسوزانند، برای صد کیلومتر مثل دیگر نقاط جهان سه یا چهار لیتر مصرف کنند، کار درست می‌شود. گویا میدان مردم در این کشور چنان وسیع است که توپ ناکارآمدی نظام بوروکراتیک، نظام صنعتی، نظام تولید و… کلا همه توپ‌ها را می‌شود به میدان آنها انداخت.



علی حسین رحمتی، مدیر عامل کارگران و بازنشستگان

احمد میدری:

سه‌جانبه‌گرایی راهگشاست

احمد میدری که وزیر کار شد، خیلی‌ها خوشحال شدند. این تصور از میدری سال‌های پیش وجود داشت که او وقتی مسند وزارت کار را به دست بگیرد، تغییرات بزرگی در زمینه عدالت دستمزد به وجود خواهد آمد. یکی از امیدها همین اول این بود که این هفته میدری اعلام کرد: جلسه شورای عالی کار برای تعیین حداقل دستمزد ۱۴۰۴ کارگران به‌زودی برگزار می‌شود. این حرف به این دلیل نشانه خوبی بود که هر سال جلسات تعیین مزد در اسفند شروع می‌شد و حتی سابقه داشته که در آخرین ساعات اداری سال یعنی در ۲۸ اسفند، کف حقوق مشخص شده است. میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره برگزاری جلسات شورای عالی کار برای تعیین دستمزد ۱۴۰۴ این را هم گفت: تلاش می‌کنیم چانه‌زنی برای تعیین حداقل دستمزد ۱۴۰۴ جامعه کارگری زودتر از سال‌های گذشته آغاز شود. سال‌های پیش شورای عالی با دستور جلسه تعیین حداقل دستمزد اسفندماه آغاز می‌شد، امسال خیلی زودتر خواهد بود.

این‌حرف میدری دعوای دیرینه‌ای را که بین کارگران و کارفرمایان بر سر تعیین حقوق وجود دارد، یادآوری می‌کند. وزیر تعاون، کار ورفاه اجتماعی هم تنظیم‌گری و تحقق سه‌جانبه‌گرایی میان دولت، کارگران و کارفرمایان را مهم‌ترین راهبرد معاونت روابط کار در دولت چهاردهم عنوان کرد.

او بیان اینکه برای حمایت از کارگران نیازمند جامعه‌کارفرمایی کارآمد و توانمند هستیم، تأکید کرد: با راهبرد سه‌جانبه‌گرایی و اصل توافق جمعی به سمت حل مسائل جامعه کار و تولید حرکت خواهیم کرد.

علی حسین رحمتی فرد، معاون سابق کار نیز در این نشست گزارشی از عملکرد خود در بازه زمانی سه‌ساله دولت سیزدهم ارائه کرد. پروانه رضایی بختیاری، مسئول ۱۳۵۲ است. او دانش‌آموخته مطع کارشناسی ارشد مدیریت دولتی-تحول است. از سوابق اجرائی او می‌توان به رئیس اداره کار و امور اجتماعی شهرستان شمیرانات، رئیس اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شمال شرق تهران و مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران در دولت دوازدهم و مشاور مدیرعامل سازمان هلال‌احمر اشاره کرد.

رضایی سلسله‌مراتب اداری را از سطح کارشناسی تا مدیریت پایه، میانی و کلان در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی طی کرده است و برای اولین در تاریخ این وزارتخانه به عنوان نخستین زن معاون کار منصوب شده است. او در بخش فعالیت‌های پژوهشی نیز به عنوان دستیار در حوزه مدیریت دولتی، خدمشگی‌گذاری عمومی، تأمین اجتماعی و روابط هم تجربه‌های متنوعی داشته است.

روزنه

کارکنان آمازون در «جمعه سیاه» اعتصاب می‌کنند

ایلنا: کارکنان آمازون اعلام کردند که در اعتراض به فقدان امکان تشکیل‌یابی و دیگر مطالبات این مجموعه در ۲۰ کشور قصد اعتصاب دارند.

شبکه سسی‌بی‌اس آمریکا گزارش داده که فعالان صنفی در مجموعه آمازون اعلام کردند کارکنان شرکت توزیع کالای اینترنتی آمازون در بیش از ۲۰ کشور از جمله ایالات متحده آمریکا قصد دارند در روز جمعه معروف به جمعه سیاه (نیم آذر مصادف با ۲۹ نوامبر) که در آن همه‌ساله فروش‌های ویژه با تخفیف انجام می‌شود، دست به اعتصاب بزنند.

آنان در بیانیه‌ای اعلام کردند که اعتصابات از سونیس شروع شده و توسط گروه‌های دیگر شاغل در آمازون هدایت خواهد شد. چندین شهر در کشورهایی همچون ایالات متحده آمریکا، برزیل، آلمان، ژاپن، انگلستان و… شاهد برگزاری اعتصاب کارکنان آمازون خواهند بود. لاینزیک آلمان نیز شاهد یک رشته اعتصابات کارکنان آمازون خواهد بود و این اعتصابات در دفتر آمازون در شهر کلن نیز ادامه دارد.

کارکنان آمازون مهم‌ترین روز معروف برای فروش ویژه در کشورهای غربی را که موسوم به «جمعه سیاه» است، هدف گرفتند؛ زیرا در این روز فروش شرکت‌های فروشنده اینترنتی مثل آمازون به دلیل تخفیف‌های استثنائی چندبرابر خواهد شد. علت اعتراض کارکنان آمازون در قالب اعتصاب، روش‌های زندک‌آوری و ضدسندیکایی آمازون در مدیریت شرکت و عدم به‌رسیت‌شناسی اتحادیه کارکنان این مجموعه اعلام شده است.

در این میان، شرکت آمازون از رفتار خود با کارگران دفاع می‌کند. آیلین هاردن، سخنگوی آمازون، اعلام کرده است: «گروه‌های اعتصابی منافع مختلفی را نمایندگی می‌کنند و این در حالی است که ما همیشه به اعتراضات توجه کردیم. به دنبال راه‌هایی برای بهبود وضعیت کارکنان هستیم. طراحی فرمول‌های منعطف برای دستمزد و نظام امتیازدهی جدید برای برخورداری از مزایا از برنامه‌های آمازون است که در کنار افزایش امنیت شغلی کارکنان در دستور کار قرار دارد».

کارگران و بازنشستگان در تله فقر

یک پیش‌کسوت جامعه کارگری گفت: عدم پایندی به ماده ۴۱ قانون کار، کارگران شاغل و بازنشسته را در تله فقر گرفتار کرده است و تا به قانون برنگردیم، راهی برای فرار از این گرفتاری درپا نیست.

حسن صادقی، رئیس اتحادیه پیش‌کسوتان جامعه کارگری، درباره متناسب‌سازی و اجرای آن به ایلنا گفت: مشکل این است که قانون‌گذار یا همان مجلس، متوجه نبوده چه چیزی تصویب کرده است. از سوی دیگر، ذی‌نفعان با اطلاعات اشتباهی که در فضای مجازی منتشر شده، تصور می‌کنند باید حقوق شان ۹۰ درصد افزایش یابد و ۴۰ درصد آن را باید امسال بگیرند. مثلاً حداقل‌بگیر تصور می‌کند امسال ۴۰ درصد هفت‌میلیون و ۲۰۰ هزار تومان باید به عنوان متناسب‌سازی پرداخت شود. مجری قانون نیز می‌بیند اگر قانون وضع‌شده را با همین شاکله فعلی اجرا کند، هیچ نفعی برای حداقل‌بگیران ندارد.

رئیس اتحادیه پیش‌کسوتان جامعه کارگری با بیان اینکه «در قانون مصوب مجلس چیزی به مستمری‌بگیر حداقلی تعلیل نمی‌گیرد» اضافه کرد: در این شرایط، مدیرعامل تأمین اجتماعی از اجرای قانون به علت ناعادلانه‌بودن سر باز زد. در نهایت از تبصره «کمک‌معیشت» استفاده کردند و متناسب‌سازی را برای حداقل‌بگیران اجرائی کردند. مدیرعامل تأمین اجتماعی تصمیم گرفت در قالب کمک‌معیشت، ۱۰ درصد حداقل مستمری را به حداقل‌بگیران اضافه کند که مبلغ ریالی آن برای حداقل‌بگیران ۷۱۶ هزار تومان می‌شود. در نهایت این فرمول اعمال می‌شود و برای حداقل‌بگیران یا زیر حداقل‌بگیران در لیست حقوقی عنوان می‌شود که برای شما کمک‌معیشت در نظر گرفته شده است.